

## روایت اعضاء از سرمایه اجتماعی در تشکیل و توسعه تعاونی‌های کارآفرینی زنان (بررسی آسیب‌شناسی تعاونی‌های کارآفرین زنان در شهرستان دامغان)<sup>1</sup>

شهرام باسیتی \*

استادیار و عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

تاریخ دریافت: 1400/1/5

تاریخ پذیرش: 1400/4/21

### چکیده

شناسایی و تقویت سرمایه اجتماعی در قالب ظرفیت‌های متنوع سازمان‌های مردم‌نهاد و عضویت‌های داوطلبانه سبب افزایش سطح همکاری اعضاء در گروه‌های اجتماعی و جامعه می‌شود. وجود میزان قابل قبولی از سرمایه‌ی اجتماعی موجب تسهیل کنش‌های اجتماعی می‌شود، به طوری که در مواقع بحرانی می‌توان از سرمایه‌ی اجتماعی به‌عنوان اصلی‌ترین منبع حل مشکلات و اصلاح فرایندهای موجود سود بُرد. پژوهش حاضر، با هدف کاربردی و برحسب روش گردآوری اطلاعات کیفی - تحلیل مضمون روایت اعضاء تعاونی‌ها از سرمایه‌ی اجتماعی در تعاونی‌ها است. نتایج حاصل از داده‌ها در 275 مفهوم، 9 مقوله اولیه و مقولات ثانویه «حاشیه‌رانی نهادی امر تعاون»، «کاهش مشارکت مداوم در بین اعضاء» و «ضعف عملکردی تعاونی‌ها» مورد بحث و تحلیل واقع شدند. سرآخر، این مقولات در مقوله‌ی هسته‌ی «ضعف تعامل اجتماعی و نهادی تعاونی‌ها» جای داده شدند. بر این اساس، آسیب‌های تعاونی در بعد درونی و بیرونی ناشی از ضعف تعامل اجتماعی بیرونی نهادی بوده و برای برطرف نمودن آنها لازم است توانمندسازی و حمایت نهادی انجام گیرد.

**واژه‌های کلیدی:** تعاونی‌های کارآفرین زنان، تحلیل مضمون، سرمایه اجتماعی، شهرستان دامغان، ضعف تعامل

اجتماعی و نهادی تعاونی‌ها

1. این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی با همین عنوان است که در دانشگاه پیام نور مرکز دامغان که در سال 1399 انجام

شده است.

## مقدمه

شناسایی و تقویت سرمایه اجتماعی در قالب ظرفیت‌های متنوع سازمان‌های مردم‌نهاد و عضویت‌های داوطلبانه سبب افزایش سطح همکاری اعضای در گروه‌های اجتماعی و جامعه می‌شود و از این طریق به افزایش سطح ارتباطات، نظارت و کنترل در سطح نهادهای عمومی اجتماعی منجر می‌شود، در نتیجه از آن می‌توان برای پیشگیری از مسائلی نظیر آسیب‌های اجتماعی یا سایر معضلات استفاده کرد. وجود میزان قابل قبولی از سرمایه‌ی اجتماعی موجب تسهیل کنش‌های اجتماعی می‌شود، به طوری که در مواقع بحرانی می‌توان از سرمایه‌ی اجتماعی به‌عنوان اصلی‌ترین منبع حل مشکلات و اصلاح فرایندهای موجود سود بُرد ( Barnes-Mauthe et al, 2014:2). این امر مهم برای زنان حائز اهمیت دوچندان است. به فراخور آن، یکی از عواملی که باعث حضور فعال زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی می‌شود سرمایه اجتماعی آن‌هاست (خواججه‌نوری و مقدس، 1387). سرمایه اجتماعی به روابط میان افراد در شبکه‌های اجتماعی، هنجارهای عمل متقابل، و قابلیت اعتمادی ناشی از آن‌ها اشاره دارد که دستیابی به منافع مشترک را تسهیل می‌کند (Putnam, 2000). تمرکز بر سرمایه اجتماعی به دلیل نقشی که سرمایه اجتماعی در تولید و افزایش سرمایه انسانی و اقتصادی ایفا می‌کند و تعاونی‌ها با توجه به اینکه از بخش‌های مهم اقتصادی کشور به شمار می‌آیند حائز اهمیت فراوان است. با توجه به اینکه امروزه افزایش نقش و جایگاه زنان در توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، و سیاسی کشور از اهداف کلی سیاست‌های مهم توسعه انسانی محسوب می‌شود، افزایش قابلیت‌ها و ظرفیت‌های انسانی و اجتماعی یا به طور کلی سرمایه اجتماعی به منزله گامی مهم در رسیدن به این هدف است. از این رو، مفروضه بنیادین پژوهش حاضر حول این مقوله می‌چرخد که سرمایه اجتماعی تاثیر بسزایی در نقش و کارآفرینی<sup>1</sup> زنان در تعاونی‌ها داشته و این امر منجر می‌شود تا آنها بیشتر و باثبات‌تر در اجتماع حضور داشته باشند و بتوانند ایده‌ها و کارهای خود را در قالب تعاونی متحقق ببخشند. با این اوصاف، آنچه محرز است وجود موانع نهادی، فردی، اجتماعی‌ای است که سبب می‌شود این امر متحقق نشود و به تبع آن تعاونی‌های رو به ضعف و

انحلال بگرایند. در شهرستان دامغان، با توجه به اینکه 196 تعاونی فعال هستند، فقط 23 تعاونی مربوط به زنان است که تعداد 27198 نفر زن در این تعاونی‌ها مشغول فعالیت هستند. لزوم توجه به نقش و جایگاه آنها، یک امر مهمی است که لازم است بالا بردن آن تلاش کرد. لذا برای این منظور، روایت اعضاء تعاونی‌های زنان می‌تواند به آسیب‌شناسی اجتماعی این امر در رابطه با سرمایه اجتماعی به عنوان مهمترین مولفه‌ی تشکیل و توسعه تعاونی‌ها کمک کند. بنابراین، پژوهش حاضر، در پی این امر است رابطه و نقش سرمایه‌ی اجتماعی زنان در تشکیل و توسعه‌ی تعاونی‌ها را از دید اعضاء نشان دهد.

### مروری بر مبانی نظری و پیشینه پژوهش

رویکرد ما در این پژوهش، برگرفته از نظریه‌پردازانی است که به ارتباطات و پیوندهای اجتماعی در جامعه تأکید نموده و به سرمایه‌ی اجتماعی خصلتی جمعی و فرا فردی می‌دهند که این خصلت را باید در زندگی اجتماعی و ارتباطات افراد باهم جستجو کرد. برای این منظور، از آراء این سه صاحب‌نظر<sup>۱</sup> که در این سنت جای می‌گیرند و با استفاده از مفاهیم آن‌ها به صورت بندی سرمایه‌ی اجتماعی دست می‌زنیم. بوردیو<sup>۱</sup> (1986) تلاش کرد تا اولین مطالعه‌ی نظام‌مند سرمایه‌ی اجتماعی را انجام دهد. بررسی این مفهوم، با مطالعه‌ی کلمن<sup>۲</sup> (1990) در مورد رابطه‌ی بین سرمایه اجتماعی، سرمایه انسانی و حضور در مدرسه در ایالات متحده و بعدها با مطالعه‌ی پاتنام<sup>۳</sup> (1993) با عنوان سرمایه‌ی اجتماعی و نهادهای دموکراتیک در ایتالیا، به اوج خود رسید (Productivity Commission, 2003). بوردیو سرمایه‌ی اجتماعی را اولاً به عنوان روابط اجتماعی‌ای که دستیابی فرد را به منابع تسهیل می‌کند و ثانیاً به عنوان تکثیر و کیفیت منابع توصیف می‌کند، به طوری که سرمایه‌ی اجتماعی مستلزم سرمایه‌گذاری مدنی برای گسترش ساختارهای سرمایه‌ی اقتصادی، فرهنگی و انسانی را به عنوان پیامد کنش و رابطه اجتماعی به وجود می‌آورد (Bourdieu, 1986). بنابراین، سرمایه از

1 Bourdieu

2 Coleman

3 Putnam

نظر او قابلیت است که فرد در تعامل با دیگران از آن بهره‌مند می‌شود. سرمایه‌ی اجتماعی مجموعه‌ای از تماس‌ها، رابطه‌ها، آشنایی‌ها، دوستی‌ها، دین‌ها (مطالبات یا دیون نمادین) هستند که به عامل «وزن» اجتماعی کم یا بیش سنگین، قدرت کنشی و واکنشی کم یا بیش زیاد بر حسب کیفیت و کمیت شبکه‌های ارتباطی، پیوندهایی که وی را به افراد دیگر وصل می‌کند، می‌بخشد. به عبارتی دیگر؛ سرمایه‌ی اجتماعی مجموعه‌ای از منابع موجود یا بالقوه‌ای است که به مالکیت شبکه‌ی پایداری از روابط کم یا بیش نهادینه‌شده‌ی افراد بستگی دارد، افرادی که یکدیگر را می‌شناسند و خود را مدیون یکدیگر می‌دانند (اولیویه و شویره، 1385: 103).

کلمن (1377)، هم از نظریه‌پردازانی است که در کارهای خود به سرمایه‌ی اجتماعی پرداخته است. او می‌گوید که بدون سرمایه اجتماعی، هیچ اجتماعی به هیچ سرمایه‌ای نمی‌رسد، به طوری که بسیاری از گروه‌ها، سازمان‌ها و جوامع انسانی، بدون سرمایه‌ی اقتصادی و صرفاً با تکیه بر سرمایه انسانی و اجتماعی توانسته‌اند به موفقیت دست یابند، اما هیچ مجموعه‌ی انسانی، بدون سرمایه‌ی اجتماعی نمی‌تواند اقدامی مفید و هدفمندی انجام دهد (کلمن، 1377: 105). بنابراین، سرمایه‌ی اجتماعی، یا بُعد معنوی یک اجتماع، میراثی تاریخی است که از طریق تشویق افراد به همکاری و مشارکت در تعاملات اجتماعی، قادر است میزان بیشتری از معضلات آن اجتماع را حل و فصل کرده و حرکت به سوی رشد و توسعه شتابان اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و جزء آن را امکان‌پذیر کند (همان: 102). کلمن (1377)، در بررسی ویژگی‌های روابط اجتماعی که می‌تواند منابع سرمایه‌ای سودمندی برای افراد تشکیل‌دهنده به شش مورد اشاره دارد: تعهدات و انتظارات، ظرفیت بالقوه اطلاعات، هنجارها و ضمانت‌های اجرایی تأثیرگذار، روابط اقتدار، سازمان‌های اجتماعی انطباق‌پذیر و سازمان‌های تعهدی (Bolino & Turnley, 2000). بنابراین، او سرمایه‌ی اجتماعی را به عنوان یک مجموعه‌ی سرمایه‌ای برای فرد می‌دید اما آن را سازنده‌ی منابع ساختاری اجتماع می‌دانست (Coleman, 1990: 333).

پاتنام (1993)، با ارائه‌ی مقاله‌ای با عنوان *باز بولینگ در تنهایی: افول سرمایه‌ی اجتماعی در آمریکا*<sup>1</sup> مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی را در سطح گسترده‌تر و کاربردبردی‌تری مورد بحث قرار می‌دهد. او سرمایه‌ی اجتماعی را مجموعه‌ای از مفاهیمی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌داند که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه‌ی اعضای یک اجتماع می‌شود، و در نهایت، منافع آنان را تأمین خواهد کرد. هم‌چنین سرمایه اجتماعی را وسیله‌ای برای رسیدن به توسعه سیاسی و اجتماعی، در نظام‌های مختلف سیاسی می‌داند و تأکید اصلی او بر مفهوم اعتماد است (Putnam, 1993: 4). با وجود این، پاتنام بین دو شکل از سرمایه‌ی اجتماعی تمایز می‌گذارد: پیوند دهنده<sup>2</sup> (شمول‌آور) و محدودکننده<sup>3</sup> (انحصاری). سرمایه‌ی اجتماعی الزام‌آور تمایل دارد دارد که هویت‌های انحصاری و همگنی را حفظ کند؛ سرمایه‌ی اجتماعی پیونددهنده‌ی افراد را از بخش‌های مختلف اجتماعی کنار هم جمع کند (Putnam, 2000: 22). بسیاری از اندیشمندان از سرمایه اجتماعی به عنوان زیر بنای توسعه اقتصادی هر جامعه یاد می‌کنند (Woolcock & Narayan, 2000, 20-21). اگر صرفاً بر اساس تحقیقات گذشته بیان شود که سرمایه اجتماعی، رشد و توسعه اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، به نظر می‌رسد، منطقی است انتظار داشته باشیم سرمایه اجتماعی بتواند بر فعالیت‌های کارآفرینانه تأثیر بگذارد. سرمایه اجتماعی نقش مهمی در فعالیت‌های کارآفرینانه و قصد کارآفرینانه (مرادی و همکاران، 1396) دارد، زیرا همان طور که بیان شد، کارآفرینی فرایندی اجتماعی - اقتصادی است که از دو طریق به شرایط و بافت اجتماعی متکی است. اول اینکه کارآفرینان محصول محیط اجتماعی خود هستند و دوم اینکه کارآفرینی فعالیتی اجتماعی است و در نتیجه بود یا نبود پیوندها و ارتباطات اجتماعی بر ماهیت کارآفرینی شرکتی تأثیر می‌گذارد (Doh & Edmund, 2011: 8). سرمایه اجتماعی ساختاری، اجتماعی شناختی و اجتماعی رابطه‌ای از طریق سبک شناختی منطقی بر قصد کارآفرینانه اثر مثبت می‌گذارد. توجه به نقش کارآفرینی در توسعه همه جانبه در کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه نیز در پی ایجاد موج گسترده و

---

1 Bowling alone: America's declining social capital

2 Bridging

3 Bonding

جدیدی از سازمان‌های کارآفرین می‌باشند که برای رسیدن به این مهم می‌بایستی نقش و اهمیت فرهنگ کارآفرینی و عوامل رشد و توسعه‌دهنده و یا موانع آن در سازمان‌ها مشخص و معرفی شوند. به عبارتی دیگر، کارآفرینی به عنوان یک الزام و رویکرد نوین و تدبیر جدید اقتصادی در پاسخ به واقعیت‌ها و شرایط جدید محیطی، یکی از راهکارهای ارزشمند در رویارویی و تقابل با ناکارآمدی اقتصادی و جلوگیری از پدیده‌های منفی اقتصادی مانند بیکاری، محسوب می‌گردد (Cochran, 2004: 22). بنابراین می‌توان به تحقیقاتی اشاره نمود که به بحث مورد نظر در این پژوهش نزدیک بوده و دامنه‌ی مباحث مربوط به سرمایه‌ی اجتماعی و کارآفرینی را در برگیرند از جمله؛ رادان (1399)، در مقاله‌ی «تحلیل عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر در گرایش زنان خانه دار به امور تعاون» با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر گرایش زنان خانه دار به امور تعاون پرداخته است. این پژوهش به شکل کیفی و با بهره‌گیری از ابزار مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختاریافته در چارچوب نظریه زمینه‌ای انجام شده است و به این مقولات دست یافته که به سبب آن یافته‌های پژوهش، نبود سرمایه و انبوه شناخت از تعاون به عنوان شرط زمینه‌ای: توانایی‌های فردی به عنوان شرط علی؛ خانواده و دوستان به عنوان شرط مداخله‌گر تعهدات مالی، حقوقی و اخلاقی، به عنوان تعاملات و ضعف در نهادینه شدن فرهنگ تعاون، به عنوان پیامد در گرایش زنان خانه دار به امور تعاون مشخص شده‌اند. احمدپور و همکاران (1398)، در مقاله‌ی «بررسی تأثیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در رفتار کارآفرینانه زنان عضو تعاونی‌های روستایی» با روش پیمایشی انجام گرفته است. در این راستا، بر اساس یافته‌های تحقیق، گسترش و توسعه زمینه مشارکت گروهی، ارتباط مستمر بین تعاونی‌ها و دیگر نهادها و تشکل‌های فعال در عرصه روستایی از جمله تعاونی‌های موفق، جلسات مداوم در راستای شفاف‌سازی فعالیت‌ها تعاونی از جمله مواردی است که می‌تواند در بهبود سطح سرمایه اجتماعی زنان عضو تعاونی‌ها تاثیرگذار باشد. یادگار و همکاران (1393)، در مقاله‌ی «قصد کارآفرینانه اجتماعی: اثر متقابل نگرش کارآفرینانه اجتماعی، امنیت مالی و سرمایه اجتماعی» به بررسی رابطه قصد کارآفرینانه اجتماعی و نگرش کارآفرینانه اجتماعی پرداخته است؛ همچنین نقش تعدیل‌گری امنیت مالی و سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی

پرداخته‌اند. یافته‌ها حاکی از نگرش کارآفرینانه اجتماعی که در این پژوهش داشتن واکنش-های عاطفی، شناختی و رفتاری نسبت به همدلی و مسئولیت‌پذیری در مورد نیازهای اجتماعی تعریف شده است، با قصد کارآفرینانه اجتماعی رابطه دارد. در ضمن، این رابطه به ترتیب شدت اثر از طریق امنیت مالی و سرمایه اجتماعی تقویت می‌شود. با وجود این سرمایه انسانی کارآفرینانه اجتماعی رابطه نگرش و قصد کارآفرینانه اجتماعی را تقویت نمی‌کند. <sup>1</sup> مادان (2015)، پژوهشی با هدف «بررسی ویژگی شخصیتی زنان کارآفرین و محرک‌های تأثیرگذار در تصمیم‌های زنان برای ایجاد کسب و کار در ترکیه» انجام داد. جامعه آماری این پژوهش زنان کارآفرین موفق در ترکیه و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود. نتایج نشان داد که شباهتی میان زنان کارآفرین ترکیه با توجه به ویژگی‌های وجود دارد و بررسی‌ها نشان داد که زنانی سرسخت و مصمم دارای ذهنی قوی و نوآورانه هستند و از فرصت‌های منحصر به فرد در محیط کسب و کار به خوبی استفاده می‌کنند. رالاکا<sup>2</sup> (2013)، در تحقیق «چارچوب سرمایه اجتماعی و تأثیر آن بر فعالیت کارآفرینی» به این نتیجه می‌رسد که سرمایه اجتماعی از طریق جذب سرمایه‌های انسانی و مالی، کاهش هزینه‌های معاملاتی، شناسایی فرصت‌های جدید بازار و استفاده از دانش و اطلاعات به حفظ سرمایه‌گذاری و توان‌مزیت رقابتی افراد کمک می‌کند. لرنرس و هربر<sup>3</sup> (2010)، عوامل مؤثر بر فرآیند توسعه فرهنگ کارآفرینی سازمانی و موفقیت شرکت‌های کارآفرینانه را به چهار گروه ویژگی‌های شخصی و روانشناختی کارآفرینان، حمایت‌های مالی و مشورتی دولتی، جذابیت‌های محیطی محل فعالیت شرکت، و تنوع خدمات قابل ارائه تقسیم کرده‌اند.

## روش‌شناسی

در این پژوهش با توجه به ماهیت و موضوع مورد بحث از روش تحلیل مضمونی یا تماتیک استفاده می‌شود. تحلیل مضمون<sup>4</sup>، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای

1 Maden

2 Raluca

3 Leners and Haber

4 Thematic analysis

موجود در داده های کیفی است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده های متنی است و داده های پراکنده و متنوع را به داده هایی غنی و تفصیلی تبدیل می کند (Braun & Clarke, 2006).

جامعه آماری این پژوهش، زنان اعضای تعاونی های کارآفرین شهردامغان می باشد که در سال 1399 از آنها مصاحبه به عمل آمد. لازم به ذکر است که در حال حاضر، 196 تعاونی فعال در شهرستان دامغان وجود دارد که 75 هزار و 76 نفر عضو این تعاونی ها هستند. 23 تعاونی ویژه بانوان در دامغان فعال است. 47 هزار و 876 نفر از افراد عضو در شرکت های تعاونی را مردان و 27 هزار و 198 نفر را زنان تشکیل می دهند<sup>1</sup>. روش های نمونه گیری در این پژوهش عبارتند از نمونه گیری هدفمند، نمونه گیری نظری و نمونه گیری با حداکثر تنوع. قدرت نمونه گیری هدفمند در انتخاب نمونه های غنی از لحاظ اطلاعات برای مطالعه عمیق است. در واقع با استفاده از نمونه گیری هدفمند محقق کیفی با افرادی گفتگو می کند که در زمینه موضوع مورد مطالعه یا جنبه های از آن دارای اطلاعات و شناخت مناسب باشند. به این افراد اصطلاحاً مطلعین یا دروازه بانان اجتماع می گویند (محمدپور، 1392: 122). در نمونه گیری نظری، نمونه ها باید معرف میدان باشند. همچنین نمونه گیری باید با حداکثر تنوع از افراد مورد مطالعه انجام شود تا بتوان درک بهتر و جامع تری از وضعیت میدان و افراد ارائه داد (همان: 136). حجم یا تعداد نمونه این پژوهش در روند انجام آن و بر اساس غنی بودن نمونه از لحاظ اطلاعات مورد نیاز با رعایت تنوعات جامعه ی مورد بررسی است. براین اساس، حجم نمونه را «شباع نظری» آن تعیین می کند. اشباع نظری مقوله مبنای داوری درباره ی زمان توقف نمونه گیری از گروه های مختلف مربوط به آن مقوله است. نمونه گیری و افزودن بر اطلاعات هنگامی پایان می یابد که اشباع نظری یک مقوله یا گروهی از موردها حاصل شود، یعنی دیگر چیز جدیدی حاصل نشود (فلیک، 1387: 138-139). گردآوری داده از طریق تکنیک مصاحبه شامل سؤالات مستقیم از مردم درباره تجربیات شان، عقایدشان، احساس و دانش شان می شود که به صورت مضامین درآمده است. مضمون، ویژگی " تکراری و متمایزی در متن است که به نظر

1 به نقل از <https://www.irna.ir/news/83560679> (تاریخ انتشار: 28 آبان 1398 - 12:16)



پژوهشگر، نشان دهنده درک و تجربه خاصی در رابطه با سؤالات تحقیق است (Horrocks, 2010:150). در این پژوهش با توجه به ماهیت موضوع، جهت گردآوری داده‌ها از روش مصاحبه نیمه‌ساخت یافته استفاده می‌گردد. راهبرد مصاحبه در این پژوهش، به دلیل پرداختن به موضوعات و سؤالات مدنظر، مصاحبه نیمه‌ساخت یافته است. در مصاحبه نیمه-ساخت یافته، سؤالات از قبل براساس موضوع پژوهش ساخته می‌شود، اما از نوشتن دقیق سؤالات خودداری می‌گردد. به این ترتیب، بر اساس سؤالات و اهداف پژوهش، سؤالات کلی مطرح می‌گردد و سپس با توجه به پاسخ مصاحبه‌شونده‌ها و جهت‌گیری آن‌ها، از آن‌ها سؤالات متناسب دیگری پرسیده می‌شود. مهمترین سؤالات در قالب مولفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی یعنی اعتماد، همبستگی و انسجام اجتماعی بیان شد و نظرات مصاحبه‌شوندگان در قالب این سوال کلی که سرمایه اجتماعی زنان چه نقشی در تشکیل و توسعه تعاونی‌ها داشته است، مورد بررسی قرار گرفت. در این تحقیق با 5 نفر مدیرعامل، 12 هیئت‌مدیره و 25 نفر از اعضاء تعاونی‌ها و به صورت گروه کانونی و گاهاً تک‌نفره مصاحبه به عمل می‌آید. برای اعتبار تحقیق حاضر از دو نوع اعتبار تفسیری<sup>1</sup> و اعتبار نظری<sup>2</sup> استفاده می‌شود. اعتبار تفسیری مطابقت و توجیه‌پذیری اشاره به تصویر کردن و بیان صحیح معانی دارد که توسط مشارکت‌کنندگان به آنچه پژوهش‌گر مورد مطالعه قرار داده، نسبت داده شده است و اعتبار نظری بیان‌کننده میزان تناسب تبیین نظری حاصل از مطالعه پژوهشی، با داده‌های گردآوری‌شده، و از این رو معتبر و قابل دفاع بودن آن داده‌ها است (ماکسول<sup>3</sup>، 1992: 291). بنابراین، گام‌های تحلیل با توجه به پایایی و روایی تحقیق به این شیوه می‌باشد که مصاحبه‌های پیاده شده، در یک فرایند رفت و برگشتی، مورد خوانش قرار گرفته و با توجه به تکرارپذیری و ثبات مفاهیم بکار رفته توسط مصاحبه‌شوندگان، محقق با توجه به اعتبار نظری و تفسیری به مقوله‌سازی دست می‌زند. تعیین واحد تحلیل، اولین قدم در این راستا است که از مفاهیم استخراج می‌شود. مقولات اولیه باید دربرگیرنده‌ی گسترده‌گی و شمولیت مفاهیم باشند. در مرحله بعد از مقولات اولیه، مقولات

1 Interpretive validity

2 Theoretical validity

3 Maxwell

ثانویه استخراج می گردد. مقولات ثانویه برای تحلیل منسجم تر و نظری تری توسط محقق تعیین می شوند که دلالت بر مقولات اولیه و راهی برای پی بردن به مقوله هسته ای می باشد. بنابراین هر مضمونی که در نهایت بدست آید، از چند واحد یا زیرمجموعه با نام زیر مضمون تشکیل شده است و هر زیر مضمون دربرگیرنده چند مفهوم است. گام بعدی تفسیر مقولات ثانویه به عنوان یافته های نظری و تجربی است. در این مرحله برای باورپذیری یافته های حاصل از داده ها از استراتژی «گفتگو با همتایان» استفاده می شود. در نهایت، در بخش نتیجه گیری مقوله ی هسته ای که در بردارنده ی مضمون اصلی است، و از تحلیل مقولات ثانویه بدست آمده است، مورد تحلیل قرار می گیرد.

### یافته ها:

### الف) توصیف جمعیت شناختی

جدول 1. ویژگی های مصاحبه شوندهگان

| کد مصاحبه | سن  | تحصیلات  | سابقه در تعاونی (سال) | سمت            |
|-----------|-----|----------|-----------------------|----------------|
| 1         | 40  | دیپلم    | 3                     | عضو هیئت مدیره |
| 2         | 32  | کارشناسی | 2                     | عضو هیئت مدیره |
| 3         | 43  | ابتدایی  | 5                     | عضو            |
| 4         | 34  | دیپلم    | 6                     | عضو            |
| 5         | 51  | ابتدایی  | 12                    | عضو            |
| 6         | 34  | دیپلم    | 4                     | عضو            |
| 7         | 47  | ابتدایی  | 6                     | عضو            |
| 8         | 43  | ابتدایی  | 11                    | عضو            |
| 9         | 49  | دیپلم    | 8                     | عضو هیئت مدیره |
| 10        | 50  | دیپلم    | 8                     | عضو هیئت مدیره |
| 11        | 56  | ابتدایی  | 3                     | عضو            |
| 12        | 55  | 3        | 3                     |                |
| ---       | --- | ---      | ---                   |                |
| 38        | 47  | دیپلم    | 5                     | عضو            |
| 39        | 46  | بی سواد  | 6                     | عضو            |
| 40        | 38  | کارشناسی | 3                     | مدیرعامل       |
| 41        | 39  | ابتدایی  | 4                     | عضو            |
| 42        | 40  | بی سواد  | 5                     | عضو            |

## ب) فرایند گردآوری داده‌ها:

فرایند پالایش و تدقیق داده‌های گردآوری شده با استفاده از تکنیک تحلیل تماتیک (مضمونی) صورت گرفته است که بدین شیوه می‌باشد: الف) ابتدا با بررسی متن مصاحبه‌ها و استراتژی خواندن سطر به سطر متون مصاحبه، اقدام به استخراج مفاهیم گردیده است که تعداد آن‌ها 275 مورد است. ب) در مرحله دوم سعی شده است که از میان مفاهیم و بر اساس دسته‌بندی محتوایی و مضمونی آن‌ها، مقولات اولیه پژوهش استخراج گردند که تعداد آن‌ها 9 مقوله می‌باشد. ج) با تلفیق و تدقیق مقولات اولیه بر اساس شباهت و تفاوت‌های محتوایی، به استنتاج مقولات ثانویه پرداخته شد که در 3 مقوله دسته‌بندی می‌شوند. د) از میان مقولات ثانویه، مقوله کلی‌تری تحت عنوان مقوله‌ی هسته‌ای در 1 مورد انتخاب شد. که به شرح زیر است.

جدول 2. مفاهیم، مقولات استخراج شده

| مقوله هسته‌ای                       | مقولات ثانویه                 | مقولات اولیه                                   | مفاهیم  |
|-------------------------------------|-------------------------------|--|---|
| ضعف تعامل اجتماعی و نهادی تعاونی‌ها | به حاشیه رانی نهادی امر تعاون | عدم نظارت نهادی و نبود نظم درونی               | نبود نظارت از سوی ادارت مربوطه، نبود همکاری با ادارت دولتی، بی توجهی مسئولان به تعاونی، نبود همکاری با انجمنهای مردمی، حمایت درون گرهی زنان، عدم جوابگویی ادارات، نبود گزارش - دهی به موقع، انتخابات فرمایشی، مشخص نبودن ساختار تعاونی‌ها، تثبیت جایگاه مدیرعاملین و هیئت مدیره‌ها، نبود گزینه های جدید در احراز پست‌ها، قرار دادن مردها در پست‌های مهم، بی توجهی به زنان در بخش مدیریتی، همکاری نکردن با تعاونی زنان، دستکم گرفتن کار زنان، عدم اختصاص بودجه و اعتبارات، نبود مشاوره، عدم دعوت شدن به جلسات ادارى، نبود نظرات های ماهانه و سالانه، فراموش کردن تعاونی‌ها، کمبود امکانات نهادها، نداشتن اراده حل مشکلات مابین نهادها، |
|                                     |                               | عدم توجه به کارآفرینی زنان                     | در احراز پست‌ها، قرار دادن مردها در پست‌های مهم، بی توجهی به زنان در بخش مدیریتی، همکاری نکردن با تعاونی زنان، دستکم گرفتن کار زنان، عدم اختصاص بودجه و اعتبارات، نبود مشاوره، عدم دعوت شدن به جلسات ادارى، نبود نظرات های ماهانه و سالانه، فراموش کردن تعاونی‌ها، کمبود امکانات نهادها، نداشتن اراده حل مشکلات مابین نهادها،   |
|                                     |                               | نبود همکاری مابین تعاونی‌ها و سازمان‌های دولتی | در احراز پست‌ها، قرار دادن مردها در پست‌های مهم، بی توجهی به زنان در بخش مدیریتی، همکاری نکردن با تعاونی زنان، دستکم گرفتن کار زنان، عدم اختصاص بودجه و اعتبارات، نبود مشاوره، عدم دعوت شدن به جلسات ادارى، نبود نظرات های ماهانه و سالانه، فراموش کردن تعاونی‌ها، کمبود امکانات نهادها، نداشتن اراده حل مشکلات مابین نهادها،   |
| کاهش مشارکت مداوم در بین اعضا       |                               | کاهش تعامل اجتماعی                             | افزایش مشغله‌های زندگی، رواج فردگرایی، وجود فرهنگ مردسالاری، دلسرده از مشارکت و تعاونی، نبود انگیزه، صرف نظر از منافع خود به خاطر منافع دیگران، کاهش این ذهنیت انجام دادن کاری وقت گیر برای دیگران، انجام دادن کاری برای دیگران که هیچ سودی برای فردا نداشته باشد، قرض دادن وسایل مورد نیاز به  |
|                                     |                               | نبود انگیزه در مشارکت                          | افزایش مشغله‌های زندگی، رواج فردگرایی، وجود فرهنگ مردسالاری، دلسرده از مشارکت و تعاونی، نبود انگیزه، صرف نظر از منافع خود به خاطر منافع دیگران، کاهش این ذهنیت انجام دادن کاری وقت گیر برای دیگران، انجام دادن کاری برای دیگران که هیچ سودی برای فردا نداشته باشد، قرض دادن وسایل مورد نیاز به  |

| مقاله هسته‌ای | مقولات ثانویه      | مقولات اولیه                             | مفاهیم  |
|---------------|--------------------|--|---|
|               |                    | کمبود آموزش                              | همسایگان و روابط صمیمانه با آنها و دیگر اعضا، افول اعتماد گسترده، روابط شخصی و درون گرهی میان زنان، کمبود برنامه های آموزشی، کمبود فرهنگ ترویج، نداشتن برنامه ریزی،   |
|               | ضعف عملکردی تعاونی | کمبود درآمدزایی و فصلی بودن فعالیت ها    | کاهش ایده های کارآفرینانه، کارآفرینی در زمینه های غیر سودآور. بحث ناتوانی در واردات ارز به کشور در مقابل صادرات، هزینه حمل و نقل، موانع گمرکی و عدم حمایت نهادها، نبود بازار باثبات، افزایش هزینه های تولید، وجود دلالان و واسطه گران و خدماتی شدن بسیاری از شغل ها و نداشتن سرمایه کافی، نبود سرمایه گذار در بخش تولیدی، ضعف در فروش محصولات، کمبود اعتبارات و تسهیلات، فصلی بودن فعالیت تعاونی ها، کافی نبودن درآمد حاصل از تعاونی ها، منوط شدن فعالیت به یک کار، کارهای باسود کم، نداشتن پشتوانه و حمایت از جانب دولت، عدم تخصیص مجوز و ممانعت از برخی اقدامات تعاونی، |
|               |                    | نبود پشتوانه مالی و نهادی                |   |
|               |                    | کاهش کارکردهای تعاونی و ضعف فروش محصولات |   |

### یافته های پژوهش (1399)

با توجه به مفاهیم استخراج شده از مصاحبه ها، و دسته بندی آنها در قالب مقولات اولیه می توان مقولات ثانویه را معیار تفسیر و تبیین نمود. برای این مهم، لازم است به نقل و قول های مصاحبه ها هم پرداخته شود. روش و تکنیک های روش شناختی اتخاذ شده حاصل بینش نظری و کار میدانی ای است که می توان آن را در بکارگیری پژوهش های کیفی مشاهده نمود. در پژوهش های کیفی، بیشتر بحث اعتبار مطرح است تا پایایی (این موضوع، ناشی از ماهیت هستی شناختی و فلسفی روش های پژوهش کیفی است). به اعتقاد فلیک (1392)، یکی از روش های افزایش اعتبار، "باورپذیر کردن گزینشی" است. منظور وی از اصطلاح مذکور، مستدل کردن متن با نقل قول هایی قابل قبول است که در پژوهش حاضر، موارد متعددی از آنها به منظور باورپذیر کردن یافته های پژوهش بیان شده است.

### به حاشیه رانی نهادی امر تعاون

عدم نظارت نهادی و نبود نظم درونی، عدم توجه به کارآفرینی زنان، نبود همکاری مابین تعاونی ها و سازمان های دولتی از مهمترین مقولاتی هستند که دال بر به حاشیه راندن تعاون و

تعاونی دارد. در این بخش، مصاحبه‌شوندگان بیشتر بر نبود همکاری و نظارت ادارات مربوطه به نسبت تعاونی‌ها تاکید نموده و آن را مسئله‌ای مهم قلمداد کردند. "قبلا همکاری‌شون خوب بود اما الان نه، متاسفانه وضعیت هر روز برای ما بدتر میشه و هرچی هم که مراجعه می‌کنیم جواب سر بالا می‌دن... من خودم چند بار رفتم واسه کارهای مجوز و توسعه تعاونی و اینها... اما نتیجه‌ی خاصی نگرفتم. من بارها به مسئولان گفتم که باید نظارت داشته باشید و بیاید سر بزنید اما متاسفانه نیومدن... قبلا بهتر بود از ما گزارش می‌خواستن اما الان نه..." (عضو هیئت مدیره، 40 ساله)

از دیگر مشکلات بخش مدیریتی برون‌سازمانی از نظر مصاحبه‌شوندگان، فقدان پاسخگویی ادارات دولتی است. آن‌ها مدعی وجود ابهام و عدم شفافیت در سازمان‌های ذی‌ربط هستند. مصاحبه‌شوندگان بر این باورند که هیچ‌گونه برنامه‌ریزی‌ای از طرف سازمان‌ها برای سامان‌دهی تعاونی‌ها انجام نمی‌شود و نسبت به آموزش‌های درخواستی تعاونی‌ها کوتاهی می‌کنند، به امور مالی و حقوقی تعاونی‌ها حسابرسی نمی‌کنند، فاقد عملکرد نظارتی، هدایتی و ارزیابی‌اند، نسبت به ایده‌های توسعه‌ی تعاونی‌ها بی‌اعتنا هستند و در یک کلام، مصاحبه‌شوندگان سازمان‌های مربوطه را فاقد احساس مسئولیت به نسبت تعاونی‌ها می‌پندارند. این امر ما را به سمت این نکته هدایت می‌کند که تعاونی‌ها که حایل بین مردم و ادارات هستند، با بی‌توجهی روبرو هستند. نبود همکاری مابین تعاونی‌ها و سازمان‌های دولتی، مهمترین مقوله‌ای است که می‌توان چنین بازگو کرد؛ "همکاری بین ما کم شده است میریم میگن که بودجه نیست، اعتبارات کافی نیست و از این حرف‌ها... قبلا جلساتی با هم داشتیم و ما رو هم دعوت میدادند اما الان شاید بتونم بگم سالی یک بار هم این کار را نمی‌کنند. دلایلش رو اگه از من بخواهید شاید واقعا همون بحث بودجه و اعتبارات باشه اما می‌تونم اینو هم بگم که واقعا این به تنهایی نیست شاید اصلا می‌خوان که تعاونی خودش خودش رو اداره کند و مشکلاتشون رو خودشون حل کنن..." (مدیرعامل، 38 ساله).

با توجه به تعدد تعاونی‌های زنان در شهرستان اما این ذهنیت در زنان وجود دارد که چنان که شاید و باید به کارآفرینی آنها کمتر توجه می‌شود و کارهای آنها را دستکم می‌گیرند. این امر به مسئله‌ای مهم و جدی بدل شده است و مصاحبه‌شوندگان یکی از دلایل کاهش مشارکت زنان در توسعه‌ی تعاونی‌ها را این نکته می‌دانند. یکی از اعضای تعاونی تولید صنایع دستی در

شهرستان چنین می گوید؛ "وقتی هیچ کس بهت توجه نمی کنه و کارهایی که با هزار زحمت انجام میدی ارزشی براتش قائل نمی شن خب در این صورت چطور انتظار داری که زنان دیکه بیان و اصلا تعاونی پابر جا باشه... توجه کمی به کار زنان میشه... مهمترین مشکل ما اینه که محصولاتمون رو دستمون مونده و به دلیل اینکه نهادهای ذی ربط بهمون توجه نمی کنند و به فکر ما نیستند ما گاهی دلسرد می شویم" (عضو تعاونی، 35 ساله).

### کاهش مشارکت مداوم در بین اعضا

طبق مصاحبه‌ها، می توان گفت که مشارکت در تعاونی‌ها کاهش یافته است و این امر در مقولات کاهش تعامل اجتماعی، نبود انگیزه و کمبود آموزش دسته‌بندی شد. آنچه در وهله‌ی اول توجه را به این مقولات جلب می کند کاهش تعامل اجتماعی است. منظور از تعامل اجتماعی، میزان همبستگی ای است که بین زنان وجود دارد. این مؤلفه بیشتر خود را در قالب مقوله‌هایی همچون صرف نظر از منافع خود به خاطر منافع دیگران، انجام دادن کاری وقت گیر برای دیگران، انجام دادن کاری برای دیگران که هیچ سودی برای فردا نداشته باشد، قرض دادن وسایل مورد نیاز به همسایگان و روابط صمیمانه با آنها و دیگر اعضا نشان می دهد. یکی از اعضای هیئت مدیره در این زمینه چنین می گوید؛ "به نظر من الان هم این تعامل وجود دارد اما کاهش پیدا کرده است. همه سرشون توی زندگی خودشونه هرچن واقعا اعضای تعاونی بعضی وقت‌ها هوای همدیگه رو دارن و به هم کمک می کنند. الان هم به قرض میدن و روابط خوبی وجود داره اما این چند سال شاید به خاطر وضع اقتصادی یکم این چیزا کاهش یافته است قبلا اعتماد گسترده‌ای هم وجود داشت که همه به هم اعتماد می کردند اما الان این طور نیست و در میان خود زنان این اعتماد درون گروهی شده است..." (عضو هیئت مدیره، 45 ساله).

نبود انگیزه در مشارکت یکی از مقولاتی است که دربرگیرنده‌ی اهمیت سرمایه‌ی اجتماعی برای تعاونی‌ها و همچنین مقوله‌ای اساسی برای تشکیل و توسعه تعاونی‌های کارآفرین به شمار می آید. این مقوله با کاهش تعامل اجتماعی رابطه مستقیمی داشته و جنبه‌های دیگر هم که در ادامه بدان‌ها اشاره می کنیم، نقش زیادی در این امر خواهند داشت. همچنین یکی از عوواملی که سبب کاهش مشارکت اعضا شده است مسئله کمبود آموزش‌ها و نبود برنامه‌های منسجم و کارآمد در تعاونی‌ها است. یکی از مدیرعاملین تعاونی‌ها در این باره چنین می گوید؛ "الان

بسیاری از تعاونی‌ها با این مشکل مواجه هستند که اعضای آنها مشارکت کمی در کارها و فعالیت‌ها و حتی جلسات تعاونی دارند. به نظر من این عدم رغبت آنها برمی‌گردد به مسائل خارج از تعاونی، هرچند که ممکن است که مشکلات درون‌سازی هم در این زمینه تاثیر داشته باشند. غالباً وقتی که به اعضایی که فقط اومدن و ثبت‌نام کرده‌اند و دیگه سرزده‌اند و پیگیر نشده‌اند میگم چرا نمیايد می‌گن که مشغله‌های زندگی نمی‌زاره و به کارهای دیگمون نمی‌رسیم و از این حرفا.... خوب در این صورت شما با ریزش مواجه می‌شوید" (مدیرعامل، 42 ساله).

آموزش به عنوان یک زیرساخت اصلی در نظام تعاون مطرح است. در حقیقت، یک شرکت تعاونی بدون توجه به خدمات آموزشی به زودی ویژگی‌هایی را که معرف تعاون است، از دست می‌دهد (امینی، 1381). آنچه در مصاحبه‌ها، مصاحبه‌شوندگان بارها بران تاکید نمودند، کاهش و کمبود آموزش‌های لازم\_چه آموزش‌های عمومی و چه آموزش‌های تخصصی\_ در زمینه‌های کسب و کار می‌باشد. این امر چندان مهم است که یکی از اهداف اساسی تعاونی‌ها قلمداد می‌شود. یکی از اعضای تعاونی در این زمینه می‌گوید؛ "من اوایل که اومدم به تعاونی دیدم که آموزش‌هایی رو دارن اما الان خیلی کم شده است. با توجه به افزایش مکانیزاسیون و افزایش راه‌های کسب و کار قطعاً باید مدیرعاملین و هیئت‌مدیره‌ها به این امر توجه زیادی بکنند. نکته‌ای هم که وجود دارد آموزش‌های مداوم است... اونها رو قطع نکنن و از طریق مختلف این کار انجام بشه... این چند سال کمتر به آموزش مستمر توجه شده است" (عضو تعاونی، 32 ساله).

با وجود این موارد، آنچه که بیشترین نقش را در افزایش آسیب‌های تعاونی داشته است و سایر آسیب‌ها تحت تاثیر این ورد هستند ضعف عملکردی تعاونی‌ها است. این امر چندان مهم است که عده‌ی زیادی از مصاحبه‌شوندگان دلیل وجود بسیاری از مشکلات و آسیب‌ها را کاهش عملکردهای مثبت تعاونی‌ها و نقش آنها در کمک و همیاری اعضاء می‌دانند.

### ضعف عملکردی تعاونی

پژوهشگران کارآفرینی معتقدند شرکت‌هایی که گرایش کارآفرینانه دارند نشانه‌های زودهنگامی از محیط کسب و کار دریافت می‌کنند که موجب تسهیل و بهبود فعالیت و عملکرد شرکت‌ها و در نتیجه باعث می‌شود آنان در رقابت از دیگران پیشی بگیرند. بنابراین،

پژوهشگران تلاش کرده‌اند تا با بررسی گرایش کارآفرینانه شرکت‌ها، عملکرد آنها را نیز ارزیابی نمایند (Wiklund & Shepherd, 2005). روایت اعضای تعاونی‌ها از عملکرد تعاونی حاکی از آن است که کمبود درآمدزایی و فصلی بودن فعالیت‌ها، نبود پشتوانه مالی و نهادی و کاهش کارکردهای تعاونی و ضعف فروش محصولات سبب ضعف عملکردی تعاونی‌ها شده است. کمبود درآمدزایی با توجه به فصلی بودن فعالیت تعاونی‌ها نکته‌ای اساسی در توسعه‌ی تعاونی‌ها به شمار می‌رود که با توجه به وضعیت اقتصادی و تورم در کشور این امر را با مشکل مواجه نموده است. یکی از مدیرعاملین در این زمینه بر کاهش درآمدزایی و نبود پس‌انداز تاکید دارد و می‌گوید: "عامل اصلی توسعه‌ی تعاونی، درآمدزایی است. یک تعاونی موفق باید بتواند منبع درآمدی مناسبی برای اعضایش باشد. بیشتر تعاونی‌ها الان توی این مخمصه گیر افتاده‌اند که از پس هزینه‌هاشون چه جوری دربیان... الان وضعیت اقتصادی و تورم بر بسیاری از فعالیت‌ها تاثیر منفی گذاشته است. ما قبلا صادرات هم داشتیم اما اکنون به خاطر موانعی که هست نمی‌تونیم... از جمله این موانع بحث ناتوانی در واردات ارز به کشور در مقابل صادرات، هزینه حمل و نقل، موانع گمرکی و عدم حمایت نهادها از ماست" (عضو هیئت مدیره، 50 ساله).

با وجود این، نبود پشتوانه مالی و نهادی یکی از اساسی‌ترین مشکلاتی بود که توسط مصاحبه‌شوندگان بیان شد. این امر همچنین بر کاهش کارکردهای تعاونی تاثیر زیادی داشته است. با این وجود، ضعف این پشتوانه سبب شده است برخی تعاونی‌ها تا مرز ورشکستگی پیش بروند و برخی دیگر فقط توانسته‌اند از تامین هزینه‌های جاری خود برآیند. در این باره، غالب نظرات بر این امر تاکید نمودند که اگر پشتوانه‌های مالی و نهادی ادامه پیدا نکند، وضعیت تعاونی‌ها روبه وخامت خواهد گذاشت؛ "معلومه... اینکه اگر تعاونی درآمد نداشته باشه از پای در خواهد آمد. اعضایش منصرف میشن و بلاخره تا حدی می‌تونن دوام بیاره... الان خیلی از تعاونی‌ها روبه اضمحلال هستند و متأسفانه کاری هم نمی‌کنند... به نظر من وام‌ها و اعتبارات و تخصیص منابع و... می‌تواند مثرتر باشد اما الان وضعیت اقتصادی‌ای که وجود دارد بر عملکرد تعاونی‌ها تاثیر زیادی می‌گذارد..." (هیئت مدیره، 39 ساله).

یکی از نکاتی که باعث کاهش درآمدها و ضعف پشتوانه مالی تعاونی‌ها شده است، ضعف در فروش محصولات و بازاریابی است. این امر باعث شده کارکردهای تعاونی را هم به حداقل



برساند. نبود بازار باثبات، افزایش هزینه‌های تولید، وجود دلالتان و واسطه‌گران و خدماتی شدن بسیاری از شغل‌ها و نداشتن سرمایه کافی، نبود سرمایه‌گذار در بخش تولیدی و ... از جمله مواردی بود که توسط مصاحبه‌شوندگان مورد بحث واقع شدند. پشتوانه مالی به ویژه برای توسعه‌ی ایده‌های کارآفرینانه مهم است. با وجود پیشرفت‌های تکنولوژیکی و فناوری در عرصه‌های مختلف، سرمایه‌گذاری در این زمینه می‌تواند به تقویت بنیه تعاونی و توسعه‌ی آن کمک زیادی کند. بنابراین در این زمینه کمتر سرمایه‌گذاری شده است. با توجه به مقولات ثانویه‌ی ذکر شده در بالا، می‌توان به مقوله‌ی هسته‌ی این پژوهش یعنی «ضعف تعامل اجتماعی و نهادی تعاونی‌ها» پرداخت. این مقوله حکم به وضعیتی دارد که در آن می‌توان آسیب‌های پیشروی تعاونی‌ها را در آن دید.

### بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با این هدف که روایت اعضاء تعاونی‌های کارآفرین زنان از سرمایه اجتماعی بر تشکیل و توسعه‌ی تعاونی‌ها با مدنظر داشتن آسیب‌شناسی آنها انجام گرفته است. در این زمینه، فرض اساسی آن بوده است که سرمایه اجتماعی، پایه‌ی تشکیل و توسعه‌ی تعاونی‌های کارآفرین و مدخلی برای آسیب‌شناسی آنها می‌باشد. بنابراین با درنظر داشتن دیدگاه‌های نظری اندیشمندان حوزه علوم اجتماعی، بوردیو (1986)، پاتنام (2000) و کلمن (1990)، که نظرات آنها بر سرمایه اجتماعی متمرکز بوده است به نقش سرمایه‌ی اجتماعی در تعاونی‌های کارآفرینی زنان شهرستان دامغان پرداخته‌ایم. مفروضه‌ی نظری دیگر، در مورد اتخاذ روش‌شناسی بر این حکم استوار بود که تحلیل کیفی و از میان روش‌های آن، روش تحلیل روایت می‌تواند ابزاری برای درک این مسئله فراهم آورد. با وجود این، مصاحبه‌ها با اعضاء تعاونی‌ها، مدیرعاملین و اعضاء هیئت مدیره‌ها انجام گرفت که از مفاهیم استخراج شده مقولات به «حاشیه‌رانی نهادی امر تعاون»، «کاهش مشارکت مداوم در بین اعضاء»، «ضعف عملکردی تعاونی» به عنوان مقولات ثانویه مورد بحث و تحلیل واقع شدند. عدم نظارت نهادی و نبود نظم درونی، عدم توجه به کارآفرینی زنان، نبود همکاری مابین تعاونی‌ها و سازمان‌های دولتی از مهمترین مقولاتی هستند که دال بر به حاشیه‌راندن تعاون و تعاونی دارد. این امر، به

رابطه تعاونی‌ها با سازمان‌ها و نهادهای ذی‌ربط اشاره دارد که آنها را به حاشیه‌رانده‌اند. این به حاشیه‌راندن تعاونی با توجه به مصاحبه‌ها تأثیر زیادی در مشارکت اعضا و مهمتر در عملکرد تعاونی‌ها داشته است. «کاهش تعامل اجتماعی»، «نبود انگیزه در مشارکت» و «کمبود آموزش» مقولات اولیه‌ایی بودند که حکم به کاهش مشارکت اعضا در تعاونی‌ها می‌کنند. با توجه به مصاحبه‌ها، مشارکت در تشکیل و توسعه‌ی تعاونی‌ها در سال‌های اخیر کاهش یافته است و همین امر به ضعف عملکردی تعاونی‌ها انجامیده است. ضعفی که ناشی از «کمبود درآمدزایی و فصلی بودن فعالیت‌ها»، «نبود پشتوانه مالی و نهادی» و «کاهش کارکردهای تعاونی و ضعف فروش محصولات» می‌باشد. در این زمینه تأکید اساسی بر نبود سرمایه‌های مالی بوده است که به نوبه‌ی خود درآمدزایی را کاهش و منجر به تقلیل کارکردهای تعاونی شده است. بنابراین، با توجه به یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها و تحلیل مقولات اولیه و ثانویه، آنچه می‌تواند در تحلیل نهایی مورد توجه واقع شود، مقوله‌ی «ضعف تعامل اجتماعی و نهادی تعاونی‌ها»ی شهرستان می‌باشد. این امر حاکی از تضعیف سرمایه اجتماعی چه در تشکیل و چه در توسعه‌ی تعاونی‌ها در ابعاد درون‌سازمانی و برون‌سازمانی تعاونی‌ها می‌باشد. با توجه به یافته‌ها، می‌توان به توانمندسازی در زمینه‌های آموزشی، کسب مهارت در بازاریابی و فروش، استفاده از جمله تکنولوژی مدرن و... اشاره نمود. همچنین از نظر حمایت نهادی می‌توان مواردی از جمله نظارت بر تعاونی‌ها، تخصیص منابع مالی و ارائه‌ی تسهیلات مالی و خدماتی را در اولویت کار قرار داد. با در نظر داشتن این موارد و با تأکید بر تعامل درون‌سازمانی و برون‌سازمانی تعاونی‌ها می‌توان بر آسیب‌های ذکر شده غلبه پیدا کرد. و همچنین بر نقش و جایگاه زنان در جامعه و به ویژه در تعاونی‌ها تأکید داشت و در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، اجتماعی برنامه‌هایی برای ارتقای آنها قرار داد. این امر مهم با توجه به مشارکت بالای آنها در امر کارآفرینی می‌تواند منجر به توسعه کارآفرینی در کشور و شهرستان دامغان شود. همچنین پرداختن به مسئله کارآفرینی زنان در تعاونی‌ها و نقش سرمایه اجتماعی در آن به عنوان یک مولفه‌ی نظری و تجربی می‌تواند دستمایه‌ی تحقیقات در حوزه‌ی زنان، کارآفرینی و تعاونی باشد.

## منابع

احمدپور، ا.، عرب، ف. و شهرکی، م. ر. (1398). "بررسی تاثیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در رفتار کارآفرینانه زنان عضو تعاونی‌های روستایی استان مازندران". پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، 8 (3)، 45-58.

امینی، ع. (1381). *تعاون، راهی به سوی جامعه سالم*. تهران: وزارت تعاون. اولیویه، ف. و کک، شویره. (1385). *واژگان بوردیو*. ترجمه‌ی مرتضی کتبی. نشر نی. خواجه‌نوری، ب و مقدس، ع. (1387). "جهانی شدن و سرمایه‌ی اجتماعی زنان". علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد. 5 (12)، 131-154.

رادان، ف. (1399). "تحلیل عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر در گرایش زنان خانه‌دار به امور تعاون". *تعاون و کشاورزی*، 45(9)، 2-19.

فلیک، ا. (1387). *درآمدی بر تحقیق کیفی*. ترجمه‌ی هادی جلیلی. نشر نی. چاپ سوم. کلمن، ج. (1377). *بنیادهای نظریه اجتماعی*. ترجمه‌ی منوچهر صبوری. تهران: نشر نی. محمدپور، ا. (1392). *روش تحقیق کیفی ضد روش*، تهران: نشر جامعه‌شناسان.

یادگار، ن و معماربانی، م و صدق‌آمیز، ع. (1393). "قصد کارآفرینانه اجتماعی: اثر متقابل نگرش کارآفرینانه اجتماعی، امنیت مالی و سرمایه اجتماعی". توسعه کارآفرینی، 7(1)، 133-152.

Barnes, M., Oleson, K. L., Brander, L. M., Zafindrasilivonona, B., Oliver, T.A., Beukering, P.V. (2014). "Social capital as an ecosystem service: Evidence from a locally managed marine area", *Ecosystem Services*: 2(13) 1-11.

Bolino, M & Turnley, W. (2000). Going the extra mile: cultivating and managing employee citizenship behavior, *Academy of Management Executive*, 18 (3): 60\_71.

Bourdieu, P. (1986). *The Forms of Capital*, in Joh. G. Richardson, editor, handbook of Theory and Research for the Sociology of Education, Westport CT: Geerwood.

Braun, V. & Clarke, V. (2006). "Using thematic analysis in psychology",

Cochran, T. (2004). *Entrepreneurship*, In D.L. Silles (Ed). International Encyclopedia of the Social Sciences, New York: Free Press.

Coleman, J. S. (1990) *Equality and Achievement in Education*, Westview Press, Boulder.

Doh, S. & Edmund, J. Z. (2011). Social capital and entrepreneurship: An exploratory analysis. *African Journal of Business Management*, 5(12), 4961-4975.

- King, N., & Horrocks, C. (2010), *Interviews in qualitative research*, London: Sage.
- Lerners, M. and Haber, S. (2010). "Performance factors of small tourism ventures: The interface of tourism, entrepreneurship and the environment", *Journal of business venturing*, 1 (16); 1\_32.
- Maden, C. (2015). A Gendered Lens on Entrepreneurship: Women Entrepreneurship in Turkey. *Gender in Management: An International Journal*, 30(4): 312-331.
- Maxwell, J. (1992). Understanding and validity in qualitative research, *Harvard Education Review*, 26 (3); 1-26.
- Productivity Commission. (2003). *Social Capital: Reviewing the Concept and its Policy Implications*. Melbourne: Productivity Commission.
- Putnam, R. (1993). The prosperous community, social capital and public life. *The American prosper*, 4 (13);11-18.
- Putnam, R. (2000). *Bowling Alone: the collapse and revival of American community*. Simon and Schuster, NewYork.
- Qualitative Research in Psychology*, 3 (2):77-101.
- Wiklund, J., Shepherd, D. (2005). Entrepreneurial orientation and small business performance: A configurational approach. *Journal of Business Venturing*, 20(1), 71-91.
- Woolcock, M., Narayan, D. (2000). Social Capital: Implications for Development theory, *Research and policy*. The world Bank Research Observer, 15(2), 121-137.